

خاندان حکومتی شیعی بنی حرفوش در بعلبک

دکتر ستار عودی*

مقدمه

خاندان حکومتی شیعی حرافشه یا بنی حرفوش، خود را به حرفوش خزاعی قحطانی، یکی از اعضای قبیله خزاعه ساکن عراق نسبت می دهند.^۱ نام حرفوش، در کتاب‌های کهن تاریخ و لغت عرب نیامده است و بعضاً ترجیح می دهند که واژه حرفوش، تحریف شده و از «حَرْنَفَش» به معنای آدم خشن و سرسخت و یا عظیم است.^۲ بر اساس روایتی، حَرَفْشَه یعنی خشونت، پستی و رذالت و حَرَفوش که جمع آن به صورت حَرَأَفِیش و حَرَأَفِشه است، یعنی مردی از طبقه پست جامعه و از اراذل مردم.^۳

* استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۱. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۸۶؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۲۴؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۶۳ ذیل ماده

۲. ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۷

۳. دوزی، تکمله المعاجم العربیه، ترجمه عربی، ج ۳، ص ۱۳۵؛

حرافشه، نخستین بار در کوه‌های شرقی و دقیقاً در منطقه «الجبه» و «عسال‌الورد» و بعد در روستای «سرعین» و دامنه کوه‌های شرقی مشرف بر دشت بقاع، زندگی می‌کردند و سپس در بعلبک مستقر شدند.^۱ این خاندان شیعی که به روایتی حدود چهارصد سال حکومت کردند، از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین خاندان‌های علم و فضل و شعر، در بعلبک بودند.^۲

حرفوش خزاعی، نیای اول این خاندان، جزو سپاهیان اسلامی فاتح شام بود که بعدها در «غوطه» دمشق مستقر شد و آن‌گاه که ابوعبیده‌بن جراح راهی بعلبک شد، حرفوش خزاعی را در رأس یک دسته از سپاهیان خود قرار داد.^۳ ظاهراً حرفوش همانند رافع سهمی، از اقامت در بعلبک خوشش آمد و همان‌جا اقامت کرد و صاحب فرزندان و نوادگانی شد^۴ که به شجاعت، خشونت، قدرت، بخشندگی و گاهی نیز به ظلم و ستم توصیف شدند.^۵

تاریخ نخستین حرافشه، دقیقاً معلوم نیست و صرفاً حدس و گمان بوده و کسی به تاریخ آنها تا آغاز سده دهم هجری، توجه چندانی نکرده است.^۶ صالح‌بن یحیی نویسنده *تاریخ بیروت*، نخستین کسی است که روایتی نسبتاً مشکوک راجع به یکی از افراد این خاندان نقل می‌کند. او در حوادث محرم ۷۹۲ قمری / ۱۳۹۰ میلادی می‌گوید:

علاءالدین ابن حرفوش به سلطان ممالیک‌الملک الظاهر برقوق در نبردش بر ضد ترکمانان کسروان یاری رسانده و در این جنگ کشته

۱. مهاجر، *التاسیس لتاریخ الشیعه فی لبنان و سوریه*، ص ۱۱۳ و ۱۱۵
۲. بستانی، *کتاب دائره المعارف*، ج ۷، ص ۹؛ محسن الامین، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۲۷۱ و ج ۶، ص ۲۳۰؛ *دایره المعارف تشیع*، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۳ و ج ۶، ص ۲۲۱
۳. الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۶؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۶؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۴
۴. حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۴
۵. محبی، *خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر*، ج ۴، ص ۴۳۲؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۶؛ محسن الامین، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۲۷۲ و ج ۶، ص ۲۳۰؛ بستانی، *کتاب دائره المعارف*، ج ۷، ص ۹؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۴-۲۲۵ و ۳۲۰
۶. الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۶؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۷؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۵؛ EI2، ذیل ماده

شده است.^۱

در ذی الحجه سال ۹۰۳ قمری / ۱۴۹۷ میلادی ابن حرفوش حاکم بعلبک، هم گام با سایر امرای شام، به کمک دوادار آقبردی، به هنگام محاصره دمشق شتافت.^۲ در سال ۹۲۴ قمری / ۱۵۱۷ میلادی، جان بردی غزالی، کارگزار عثمانیان در شام، ابن حرفوش امیر بعلبک و ناصرالدین محمد بن حنش امیر صیدا و بقاع را با نیرنگ کشت و سرهایشان را نزد سلطان سلیم عثمانی به حلب فرستاد.^۳ در سال ۹۴۰ قمری / ۱۵۳۳ میلادی، توطئه و دسیسه میان آل حرفوش امیران بعلبک و آل سیفا حاکمان طرابلس افزایش یافت و حوادث و درگیری‌هایی میان افراد این دو خاندان حکومتی روی داد.^۴

حکومت بنی حرفوش در بعلبک

۱. امارت امیرعلی

قراین تاریخی موجود، نشان می‌دهند که بنی حرفوش، پیش از سال ۹۴۴ قمری / ۱۵۳۷ میلادی، حکومت بعلبک را به طور تیولی و موروثی در اختیار داشتند.^۵ ظهور عملی و واقعی بنی حرفوش در صحنه سیاست، با امارت علی بن موسی بن حرفوش آغاز می‌شود. او دو هزار جنگ‌جو از «کسروان» و «الشوف» و «عین داره» جمع کرد و به جنگ قرقماس بن فریخ، امیر بقاع و ابوعلی مشهور به اقرع ابن قنبر، رفت و شکست خورد؛ ولی بعدها توانست ابن اقرع را که با رشوه دادن به دفتردار محمود، توانسته بود حکومت بعلبک را از

۱. صالح بن یحیی، *تاریخ بیروت و امراء بنی الغرب*، ص ۱۲۰-۱۲۲؛ محسن الامین، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۲۷۲

۲. ابن طولون، *مفاکبه الخلان فی حوادث الزمان*، ق ۱، ص ۲۰۰

۳. حتی، *تاریخ سوریه و لبنان و فلسطین*، ج ۲، ص ۳۱۱؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی السدین*، ج ۳، ص ۷؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۷

۴. ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۷-۸

۵. صالح بن یحیی، *تاریخ بیروت و امراء بنی الغرب*، ص ۱۲۰-۱۲۲؛ غزی، *الکواکب السائرة باعیان المئمة العاشرة*، ج ۳، ص ۱۹۴؛ کرد علی، *خطط الشام*، ج ۲، ص ۲۳۰؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدین*، ج ۳، ص ۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۷-۲۲۸



چنگ علی بن حرفوش در بیاورد و خود ظالمانه بر این شهر فرمان راند، بکشد.^۱ امیر علی حرفوشی، بیش از نیم قرن در میان رضایت و بعضاً خشم والیان عثمانی شام، و توطئه‌ها و دسیسه‌های امیران لبنان، بر شهر بعلبک فرمان راند.^۲

در سال (۹۹۴ قمری / ۱۵۸۵ میلادی، علی پاشا بن علوان حاکم شام وی را به همراه قانصوه غزی امیر عجلون و کرک و امیر منصور فریخ، دست‌گیر و روانه استانبول کرد، ولی سلطان مراد عثمانی (حک ۹۸۴-۱۰۰۳ هـ / ۱۵۷۶-۱۵۹۴ م) آنها را آزاد ساخت و به شهرهایشان بازگرداند.^۳

وقتی سنان پاشا در سال ۹۹۵ قمری / ۱۵۸۶ میلادی، والی شام شد، دوباره به تعقیب علی حرفوشی پرداخت، ولی او توانست فرار کند تا این‌که سنان پاشا به صدارت عظمی دولت عثمانی رسید و پسرش محمد پاشا جانشین وی در حکومت شام شد.^۴

در روز جمعه هیجده ذی‌القعدة سال ۹۹۸ قمری / ۱۵۸۹ میلادی، امیر علی حرفوشی با یانظ ابراهیم که میان وی و والی جدید عثمانی پادرمیانی کرده بود، وارد دمشق شدند و مورد استقبال محمد پاشا قرار گرفت و در منزل یانظ ابراهیم اقامت گزید، ولی ده روز بعد ناجوان‌مردانه دست‌گیر و زندانی شد و اندکی بعد وی را به تحریک صدراعظم سنان پاشا و فرمان سلطان عثمانی در روز شنبه دوازده محرم سال ۹۹۹ قمری، گردن زدند و سرش به نزد سلطان عثمانی فرستاده شد.^۵

۱. کرد علی، *خطط الشام*، ج ۲، ص ۲۳۱؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۹-۱۰؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۸
۲. حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۸
۳. محبی، *خلاصة الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر*، ج ۴، ص ۴۳۲؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۸ - ۲۲۹
۴. غزی، *الکواکب السائر باعیان المئه العاشره*، ج ۳، ص ۱۹۴؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۹
۵. غزی، *الکواکب السائر باعیان المئه العاشره*، ج ۳، ص ۱۹۴؛ کرد علی، *خطط الشام*، ج ۲، ص ۲۳۰؛ ظاهر *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۹؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۲۹

بر اساس روایتی دیگر، امیرعلی حرفوشی در سال ۱۰۰۱ قمری / ۱۵۹۲ میلادی، یا ۱۰۰۲ قمری / ۱۵۹۳ میلادی، به دست مرادپاشا، حاکم عثمانی دمشق کشته شده است.^۱

۲. امارت امیر موسی

امیر موسی بن علی بن موسی حرفوشی (حک ۹۹۹-۱۰۱۶ هـ / ۱۵۹۰-۱۶۰۷ م) که پس از کشته شدن پدرش حاکم بعلبک شده بود، با فخرالدین معنی، بر ضد والیان طمع کار دمشق متحد شد. دو امیر در ربیع الثانی سال ۱۰۰۲ یا ۱۰۰۳ قمری / ۱۵۹۳ یا ۱۵۹۴ میلادی، توافق کردند قرقماس بن فریخ را در قب الیاس، سرکوب کنند، ولی او از این توطئه آگاه شد و به مصاف موسی بن حرفوش رفت. موسی حرفوشی در زینون، توانست قرقماس و ابن طبوله و برخی از سواران آنها را بکشد و سرهایشان را نزد فخرالدین معنی فرستد.^۲

هم‌پیمانی میان این دو امیر هم‌چنان ادامه یافت به نحوی که در سال ۱۰۰۷ یا ۱۰۰۸ قمری / ۱۵۹۸ یا ۱۵۹۹ میلادی، هنگامی که فخرالدین معنی به جنگ یوسف پاشا سیفا، حاکم طرابلس رفت، امیر موسی بن علی حرفوشی با سپاه پانزده هزار نفره خود به کمک وی شتافت.

سپاه دو امیر در نخستین مصاف با ابن سیفا شکست خوردند؛ ولی در دومین نبرد که در کنار رود الکلب رخ داد، رعد بن نبعه طبشاری بعلبکی، یکی از سپاهیان ابن حرفوش، توانست امیرعلیسیفا، برادرزاده یوسف پاشا را بکشد و همین امر، شکست سپاه ابن سیفا را باعث شد. و در نتیجه امیر فخرالدین معنی، کسروان و بیروت را به تصرف خود درآورد.^۳

۱. محبی، خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر، ج ۴، ص ۴۳۲؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۸۷؛ کرد علی، خطط الشام، ج ۲، ص ۲۳۶؛ معلوف، تاریخ الامیر فخر الدین المعنی الثانی، ص ۶۱؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدین، ج ۳، ص ۹-۱۰؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۲۹-۲۳۰

۲. معلوف، تاریخ الامیر فخر الدین المعنی الثانی، ص ۶۶-۶۷؛ قرآلی، فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان، ص ۹۹ و ۱۰۱؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۳۰

۳. محبی، خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر، ج ۲، ص ۴۷ و ج ۴، ص ۴۳۲؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۸۷؛ کرد علی، خطط الشام، ج ۲، ص ۲۳۷؛ معلوف، تاریخ الامیر فخرالدین المعنی الثانی،

حملات امیرموسی و به روایتی یونس حرفوشی به قلمرو آل سیفا ادامه یافت، به نحوی که او در سال ۱۰۱۱ قمری / ۱۶۰۲ میلادی، به جبهه بشره / بشری، شبیخون زد و آنجا را غارت کرد و پیروزمندانه به بعلبک بازگشت.^۱ یوسف پاشا بن سیفا به انتقام این حمله، سپاه پنج هزار نفره‌ای را تدارک دید و در غیاب موسی حرفوشی به بعلبک حمله‌ور شد و آنجا را غارت کرد و پس از پنجاه روز محاصره، قلعه بعلبک آن را تصرف نمود و پس از کشتن تنی چند و غارت و چپاول شهر، به قلمرو خویش بازگشت.^۲

طی سال‌های ۱۰۱۲-۱۰۱۳ قمری / ۱۶۰۳-۱۶۰۴ میلادی موسی بن حرفوش با نضوح پاشا، والی شام که حقوق امیران شام را به رسمیت نمی شناخت، جنگید.^۳ در سال ۱۰۱۵ قمری / ۱۶۰۷ میلادی، امیر فخرالدین معنی با علی پاشا جانبولاد، امیر حلب، هم پیمان شد^۴ و آن‌گاه این دو به همراه موسی حرفوشی در کنار سرچشمه نهرالعاصی گرد آمدند و در مورد چگونگی حمله و تصرف دمشق با یکدیگر به مشورت نشستند و آن‌گاه به پیشنهاد موسی حرفوشی،

ص ۷۳-۷۴؛ قرألی، *فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۷۳؛ دبس، *تاریخ الشعوب المشرقیه فی الدین و السیاسه و الاجتماع*، ج ۷، ص ۴۴ و ۱۵۲؛ همو، *تاریخ سوریه السدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۴۴؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۱۰؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۱

۱. *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۱۲ که نام او را یونس گفته است؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۲۲؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۷؛ کرد علی، *خطط الشام*، ج ۲، ص ۲۳۸؛ معلوف، *تاریخ الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۷۵؛ دبس، *تاریخ سوریه السدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۴۴؛ قرألی، *فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۰۱ و ۱۰۳؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۱۲؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۱

۲. *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۱۲؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۲۲؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۷؛ کرد علی، *خطط الشام*، ج ۲، ص ۲۳۸؛ معلوف، *تاریخ الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۷۵؛ دبس، *تاریخ سوریه السدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۴۴-۴۵؛ قرألی، *فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۰۳؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی السدینی*، ج ۳، ص ۱۲-۱۳؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۲

۳. محبی، *خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر*، ج ۴، ص ۴۴۹؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۲

۴. محبی، *خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر*، ج ۴، ص ۴۳۲-۴۳۳؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۳

مقرر شد وی را به دمشق برای مذاکره گسیل دارند. او ابتدا توانست موفقیت‌هایی کسب کند و به توافق برسد، ولی بعد در اثر توطئه‌های رئیس اعیان شام، شیخ محمد بن سعدالدین، ناکام ماند و دست خالی به نزد هم‌پیمانانش بازگشت.^۱

پس از شکست تلاش‌های موسی حرفوشی، سه امیر شامی بر سر حمله به دمشق و بیرون راندن ابن سیفا از آن به توافق رسیدند، ولی امیر موسی از عواقب کار بیم‌ناک شد و لذا دو هم‌پیمانانش را ترک کرد و به شام بازگشت و امیران نواحی را از نیت دو هم‌پیمان خود با خبر ساخت. این امر خشم ابن جانبولاد و ابن معنی را باعث شد، لذا این دو به همراه امیریونس بن حسین حرفوشی، پسر عموی موسی بن حرفوش به بعلبک حمله‌ور شدند و آن‌جا را غارت کردند و یاران موسی را متفرق ساختند و امیریونس این شهر را تحویل گرفت.^۲ آن‌گاه سه هم‌پیمان راهی دمشق شدند و آن‌جا را پس از یک روز محاصره، در جمادی‌الاول سال ۱۰۱۵ قمری / ۱۶۰۷ میلادی فتح کردند و ابن سیفا پس از دادن رشوه کلانی، پا به فرار گذاشت و بر اساس توافقی که میان فاتحان انجام گرفت، بعلبک و بقاع، از آن امیریونس حرفوشی گردید.^۳

امیر موسی توافق سه امیر را رد کرد و به روستای قیرانیه (ایرانیه) رفت و جمع عظیمی برای نبرد با پسر عمویش و بازپس‌گیری بعلبک دور خود گردآوری کرد، ولی چون بیمار شد، این جمع عظیم را متفرق ساخت و خود بیمارگونه وارد دمشق شد و روز جمعه ۲۷ صفر سال ۱۰۱۶ قمری / ۱۶۰۸ میلادی،

۱. محبی، خلاصة الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر، ج ۴، ص ۴۳۳؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۸۸؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۱۱؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۳۳ - ۲۳۴

۲. محبی، خلاصة الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر، ج ۴، ص ۴۳۳؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۸۸؛ کرد علی، خطط الشام، ج ۲، ص ۲۴۰؛ قرآلی، فخر الدین المعنی الثانی حاکم لبنان، ص ۱۰۱؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۱۱ - ۱۴؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۳۳ - ۲۳۴

۳. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۸۸؛ کرد علی، خطط الشام، ج ۲، ص ۲۴۰؛ قرآلی، فخر الدین المعنی الثانی حاکم لبنان، ص ۱۱۱؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۱۱ - ۱۲؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۳۴

وفات یافت و در مقبره فرادیس در کنار قبر پدرش زیر گنبد معروف به بنی حرفوش مدفون گردید.^۱

امیرموسی فرمانروایی شجاع، بخشنده و شاعر و دانش دوست بود و توجه خاصی به مدرسه نوریه داشت، لذا اداره آن را به مفتی بعلبک شمس‌الدین محمدبن علی مشهور به ابن‌الفصی (متوفای ۱۰۲۴هـ / ۱۶۱۶م) سپرد.^۲

۳. امارت امیریونس

پس از مرگ امیرموسی، حکومت بعلبک به تنهایی از آن امیریونس بن حسین حرفوشی (حک ۱۰۱۶-۱۰۳۵هـ / ۱۶۰۸-۱۶۲۵م) شد. او از سال ۱۰۱۳ قمری / ۱۶۰۵ میلادی، زمینه چیره شدن بر حکومت بعلبک را مهیا کرد و در این زمینه، با پسر عمویش امیرموسی، حاکم بعلبک درگیر شد و به امیر فخرالدین معنی پناه برد و با وی پیمان دوستی بست.^۳

امیریونس که مردی سیاست‌مدار بود، سعی کرد از طریق ایجاد ارتباط و برقراری دوستی با امیران جبل، از دخالت‌های پادشاهای ترک عثمانی در امور بعلبک و بقاع بکاهد که این اقدامات حکیمانه، خشم سلطان احمد عثمانی (حک ۱۰۱۲-۱۰۲۶هـ / ۱۶۰۳-۱۶۱۷م) را باعث شد، لذا در سال ۱۰۲۰ قمری / ۱۶۱۱ میلادی، به احمد پاشا، حافظ والی دمشق، دستور داد تا سپاهی تدارک بیند و امیریونس را به قتل رساند، ولی امیر فخرالدین معنی دخالت کرد و توانست امیریونس را از کشتن نجات دهد تا از او در هنگام نیاز و سختی استفاده کند.^۴

۱. محبی، خلاصة الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر، ج ۴، ص ۴۳۳؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۸۸؛ ظاهر،

تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۱۲؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۳۴

۲. محبی، خلاصة الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر، ج ۴، ص ۴۵؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی

الدینی، ج ۳، ص ۱۴؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۳۴

۳. ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۱۴-۱۵؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک،

ص ۲۳۷

۴. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخر الدین المعنی الثانی، ص ۵ و ۷؛ تاریخ الامیر حیدر احمد

الشهابی، ج ۳، ص ۸۱۷؛ شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۵۱؛ الوف، تاریخ بعلبک،

ص ۸۸؛ قرالی، فخر الدین المعنی الثانی حاکم لبنان، ص ۱۱۲؛ دبس، تاریخ سوریه الدینی و

الدنیوی، ج ۷، ص ۱۵۳؛ همو، تاریخ الشعوب المشرقیه فی الدین و السیاسه و الاجتماع، ج ۷،

در سال ۱۰۲۱ قمری / ۱۶۱۲ میلادی، نصوح پاشا، صدر اعظم دولت عثمانی، قتل امیریونس را خواستار شد که این بار نیز امیر فخرالدین معنی با دادن رشوه‌های سنگین به سلطان عثمانی و والی دمشق مانع از قتل هم پیمانش شد.^۱ امیریونس نیز به پاس حمایت‌های امیر فخرالدین معنی از وی در سال ۱۰۲۲ قمری / ۱۶۱۳ میلادی، گروهی از لشکریانش را به یاری او فرستاد که در حال نبرد با سپاهیان حاکم دمشق بود.^۲

در پی حرکت سپاه عظیم پنجاه هزار نفره (و به روایتی صد هزار نفره) سلطان احمد عثمانی به فرماندهی والی دمشق احمد پاشا حافظ و به روایتی نصوح پاشا صدر اعظم به منطقه شام برای سرکوبی فخرالدین و نابودی کامل آل معنی و نامه‌نگاری امیر احمد شهابی که همراه سپاه سلطان عثمانی بود، با یونس حرفوشی و بر حذر داشتن وی از ادامه هم‌پیمانی با فخرالدین معنی و خطر سرپیچی از اوامر والی دمشق، یونس حرفوشی ترسید و ناگزیر همراه لشکریانش در موضع «المفقر» به سپاه احمد پاشا حافظ، والی دمشق و فرمانده سپاه عثمانی ملحق شد^۳ و با اکراه بر ضد فخرالدین معنی، هم‌پیمان سابقش

- ۱۵۲؛ معلوف، *تاریخ الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۷۹؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینی*، ج ۳، ص ۱۵؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۷
۱. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۷؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۱۷؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۵۱؛ دبس، *تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۵۳؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینی*، ج ۳، ص ۴۸-۴۹؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۸
۲. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۱؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۵۱؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۸؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینی*، ج ۳، ص ۱۶ و ۴۹؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۸
۳. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۲؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۵۳؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۸؛ کرد علی، *خطط الشام*، ج ۲، ص ۲۴۳؛ معلوف، *تاریخ الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۳۰؛ قرألی، *فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۱۲؛ دبس، *تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۵۴ که نام فرمانده را نصوح پاشا گفته است؛ همو، *تاریخ الشعوب المشرقیة فی السدین و السیاسة و الاجتماع*، ج ۷، ص ۱۵۴؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینی*، ج ۳، ص ۱۶-۱۷؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۸

جنگید و در محاصره قلعه‌های بانیاس و شقیف شرکت کرد و طبق دستور احمد پاشا حافظ، راه کمک‌رسانی به محاصره شدگان دو قلعه مذکور را بست و سپس هم‌راه حسین پاشا سیفا به جنگ جلب حسین، والی غزیر، رفتند و او را شکست دادند.^۱

پس از پیروزی بر فخرالدین معنی و فرار وی از لبنان به سوی ایتالیا، احمد پاشا حافظ کارگزار دمشق عرصه را بر والیان لبنانی که به وی در جنگ علیه فخرالدین معنی کمک کرده بودند، به شدت تنگ کرد، به نحوی که از امیریونس خواست دژهای قب الیاس و اللبوه را به وی تسلیم کند.^۲ وقتی احمد پاشا حافظ، والی عثمانی دمشق در ذی القعدة سال ۱۰۲۲ قمری / ۱۶۱۳ میلادی، به بعلبک برای تحویل گرفتن دو قلعه مذکور آمد، امیریونس پس از گفت‌وگوهای طولانی که ده روز به درازا کشید، توانست در مقابل پرداختن مبلغ پنجاه هزار قرش،^۳ رضایت والی دمشق را کسب کند و او را از تصمیمی که گرفته بود منصرف سازد.^۴

در سال ۱۰۲۲ قمری / ۱۶۱۳ میلادی، و به روایتی در سال ۱۰۲۴ قمری / ۱۶۱۵ میلادی، چرکس محمد پاشا، جانشین احمد پاشا حافظ، شد. او در نخستین اقدام، شلهوب حرفوشی را در مقابل گرفتن دوازده هزار قرش رشوه به حکومت بقاع منصوب کرد و پانصد سوار در اختیارش قرار داد تا بتواند بقاع را

۱. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، الشیعة ۲۲؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۲۰؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۵۷-۵۸؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۸؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۱۷؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۸-۲۳۹

۲. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۲۵؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۲۲؛ کرد علی، *خطط الشام*، ج ۲، ص ۲۴۳؛ دبس، *تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۵۴؛ معلوف، *تاریخ الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۱۷؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۹

۳. واحد پول در عصر عثمانی

۴. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۲۵؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۱۷؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۳۹

از چنگ پسر عمویش امیریونس، حاکم بعلبک و بقاع، خارج سازد.^۱ شلهوب حرفوشی، پس از رسیدن نیروهای کمکی، توانست قب الیاس را به مدت دو ماه تصرف کند و امیریونس با افرادش به کرک عزیمت نماید. و چرکس محمد پاشا والی دمشق نیز فردی را بر حکومت بعلبک تعیین کرد که خشم امیریونس را باعث شد.^۲ امیریونس با پرداختن چهل هزار سکه طلا به چرکس محمد پاشا، وزیر دولت عثمانی که مقیم حلب بود، توانست حکم عزل شلهوب را بگیرد و بار دیگر، فرمانروایی بعلبک و بقاع را از آن خود کند.^۳ امیریونس، قب الیاس را به پسرش، احمد حرفوشی و بعلبک را به حسین حرفوشی سپرد و خود سرگرم کارهای سیاسی و گفت‌وگوهای برای توسعه نفوذش شد. امیریونس میان وزیر محمد پاشا و افراد خاندان فخرالدین معنی و نیز میان یونس معنی و محمدآغا بوشناق والی صیدا در ذی القعدة سال ۱۰۲۴ قمری / ۱۶۱۵ میلادی، و هم‌چنین میان حسین یازجی و امیرعلی شهابی وساطت کرد^۴ و آن‌گاه به پاس خدماتش، وزیر محمد پاشا، حکومت حمص را به وی واگذار کرد.^۵ او در سال ۱۰۲۵ قمری / ۱۶۱۶ میلادی، اوضاع حمص

۱. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۴۴؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۳۹؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۹؛ دبس، *تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۵۵ که سال ۱۶۱۳ م ذکر کرده است؛ قرآلی، *فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۱۲؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۱۸ و ۲۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۴۰

۲. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۴۴؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۹؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۱۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۴۰

۳. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۴۴؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۹؛ دبس، *تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۵۵؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۱۸ و ۲۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۴۰

۴. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۴۴-۴۸؛ شذیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۶۸؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۱۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۴۱

۵. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۴۸ و ۵۰؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۴۱؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۹؛ دبس، *تاریخ الشعوب المشرقیة فی الدین*

را سروسامان داد و در سال بعد درخواست امیرعلی معنی را برای وساطت در نزد وزیر محمد پاشا، برای واگذاری صفد به وی پذیرفت و در این زمینه تلاش کرد و پرداختن بقیه اموالی را ضمانت کرد که بر عهده امیرعلی معنی بود.^۱

در سال ۱۰۲۶ قمری / ۱۶۱۷ میلادی، امیریونس سعی کرد نفوذ سیاسی خود را توسعه دهد، از این رو فرزندش امیر احمد را راهی مشغره کرد و به بزرگان شهر شیعی نشین بشاره، نامه نوشت و حمایت و کمک آنان را خواستار شد.^۲ تلاش‌های یونس حرفوشی برای ایجاد جبهه شیعی متحد در شهرهای بعلبک، کرک نوح، قب الیاس، مشغره، جبل عامل و صفد، نگرانی‌هایی برای علی معنی ایجاد کرد و از این رو، از یونس حرفوشی خواست جلوی اقدامات پسرش در مشغره را بگیرد. امیریونس برای حفظ دوستی با آل معنی، جلوی فعالیت‌های پسرش امیر احمد را گرفت، ولی ارتباطات حرافشه با شیعیان جنوب لبنان هیچ‌وقت قطع نگردید.^۳

امیریونس نخستین فرمان‌روای این خاندان بود که در سال ۱۰۲۸ قمری / ۱۶۱۸ میلادی، مسجدی در بعلبک مخصوص شیعیان ساخت که به «مسجد النهار» معروف شد.^۴ وی هنگامی که در سال ۱۰۲۷ قمری / ۱۶۱۷ میلادی،

و السياسة و الاجتماع، ج ۷، ص ۱۵۷؛ ظاهر، تاریخ الشيعة السياسي الثقافي الديني، ج ۳، ص ۱۹؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۴۱-۲۴۲

۱. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثاني، ص ۶۴؛ شدياق، اخبار الاعيان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۶۸؛ ظاهر، تاریخ الشيعة السياسي الثقافي الديني، ج ۳، ص ۱۹؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۴۲-۲۴۳

۲. شدياق، اخبار الاعيان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۶۸-۶۹؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۴۳
 ۳. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثاني، ص ۶۶-۶۷؛ تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۸۵۱-۸۵۲؛ شدياق، اخبار الاعيان فی جبل لبنان، ج ۳، ص ۶۹؛ ظاهر، تاریخ الشيعة السياسي الثقافي الديني، ج ۳، ص ۱۹ و ۲۹؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۴۴ و ۳۲۱

۴. ظاهر، تاریخ الشيعة السياسي الثقافي الديني، ج ۳، ص ۱۰؛ مهاجر، التأسيس لتاريخ الشيعة فی لبنان و سوريه، ص ۱۱۳؛ ناصری طاهری، جغرافیای اسلام ۱ و ۲ بعلبک و حلب، ص ۴۲؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۲۱

فخرالدین معنی به لبنان بازگشت، احمدبن یونس حرفوشی به نشانه تأکید بر روابط دوستانه میان حرافشه و آل معنی، شتابان به خدمت وی رسید و اسبهایی را به وی پیش کش کرد.^۱

فخرالدین معنی، دوران جدید حکومتش را با دستگیری حاج ناصرالدین بن منکر، برادر حاج علی بن منکر، به بهانه این که او برادر کسی است که به حرافشه پناه برده و نیز تحریک کننده مردم بشاره برای تصرف این شهر و نجات دادن آن از معنیان بوده، دست گیر کرد. که امیریونس برای آزادی وی، دوازده هزار قرش پرداخت.^۲

در اثر فشار فخرالدین معنی و تعیین مالیات سنگین بر شهرهای جبل عامل (بلاد بشاره)، تعدادی از شیوخ و بزرگان بشاره به سوی بعلبک کوچ کردند و به امیریونس پناه بردند و امیر فخرالدین معنی، خانه‌ها و دارائی‌های آنها را تصاحب کرد.^۳

با وجود فشارهای فخرالدین معنی بر شیعیان جبل عامل، روابط دوستی میان وی و یونس حرفوشی استوار ماند، به نحوی که در صفر سال ۱۰۲۸ قمری / ۱۶۱۸ میلادی، از سوی فخرالدین معنی، که تصمیم به گوش مالی یوسف پاشا سیفا گرفته بود، ماموریت یافت دارایی‌ها و چهارپایان آل سیفا در برج قیرانیه (ایرانیه) و هرمل را ضبط کند.^۴

۱. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی، ص ۶۹؛ تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۸۵۶؛ شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۶۹؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۸۹؛ دبس، تاریخ الشعوب المشرقیة فی الدین و السیاسة و الاجتماع، ج ۷، ص ۱۵۷؛ ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینی، ج ۳ ص ۵۱ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۴۴

۲. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی، ص ۶۹ - ۷۱؛ تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۸۵۷؛ شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۷۰؛ قرآلی، فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان، ص ۱۱۲، ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینی، ج ۳، ص ۲۰ و ۵۲ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۴۵

۳. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی، ص ۷۱؛ تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۸۵۷؛ شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۷۰؛ ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینی، ج ۳، ص ۲۰؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۴۵

۴. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی، ص ۷۷؛ شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۷۱؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۸۹؛ قرآلی، فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان، ←

در یکی از سال‌های ۱۰۱۴/۱۶۰۵ یا ۱۰۲۷/۱۶۱۷ یا قمری ۱۰۳۰/۱۶۲۰ میلادی، به اختلاف روایات، امیر احمد بن یونس حرفوشی، با دختر امیر فخرالدین و به روایتی با فخره دختر امیر علی بن امیر فخرالدین معنی ازدواج کرد و ساکن مشغره شد و در آنجا کاخ عظیمی را ساخت.^۱ پس از مرگ امیر احمد بن یونس در رمضان سال ۱۰۳۰ قمری / ۱۶۲۰ میلادی، پدرش امیر یونس که تصمیم داشت روابطش را با خاندان معنی، نگه دارد، بیوه امیر احمد را پس از کسب موافقت پدرش فخرالدین معنی، به عقد دیگر پسرش امیر حسین بن یونس درآورد.^۲

امیر فخرالدین معنی، حکومت حمص را از سلطان عثمانی در مقابل شش هزار قرش برای امیر یونس حرفوشی خرید و او نیز امارت حمص را به پسرش امیر حسین، داماد امیر فخرالدین معنی سپرد.^۳

در سال ۱۰۳۲ قمری / ۱۶۲۲ میلادی، دولت عثمانی، یوسف پاشا سیفا را معزول ساخت و قلمروش را میان امیر یونس حرفوشی و فخرالدین معنی تقسیم کرد.^۴ در

- ص ۱۲؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۲۰ و ۵۲ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۴۶
۱. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۶۶ و ۹۳ و ۱۰۲؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۵۱؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۸۹؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۱۹ و ۲۹؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۴۷-۲۴۸
۲. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۰۲ و ۱۱۴؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۷۷؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۸۲؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۰ که سال مرگش را ۱۶۲۱ م دانسته است؛ قرآلی، *فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۱۲؛ معلوف، *تاریخ الامیر فخر الدین المعنی الثانی*، ص ۱۸۱؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۲۱ و ۲۸ و ۵۲-۵۳ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۴۸
۳. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۱۷؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۷۹؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۸۳؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۰؛ معلوف، *تاریخ الامیر فخر الدین المعنی الثانی*، ص ۱۸۲؛ قرآلی، *فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۱۲؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۲۱ و ۲۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۴۹
۴. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۲۱؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۸۰؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۲۱

سال ۱۰۳۲ قمری / ۱۶۲۲ میلادی، امیریونس نامه‌ای برای کرد حمزه بیگلربیگی، مأمور حمص و فرمانده سپاهیان شام، فرستاد و در آن از عزل فخرالدین معنی از حکومت صفد و بدگویی درباره یاران وی یاد کرد که این نامه به علت بی‌سوادی کرد حمزه، و بی‌توجهی وی، اشتهاً برای فخرالدین معنی، فرستاده شد و همین امر، خشم فخرالدین را برانگیخت و گناهان وی را در برابر یارانش شمرد و سپس در ذی القعدة سال ۱۰۳۲ قمری، از بیروت راهی قب‌الیاس شد که در آن‌جا دامادش امیرحسین حرفوشی به استقبالش آمد. امیر فخرالدین، به دامادش سند مالکیت قب‌الیاس را نشان داد و از وی خواست آن‌جا را ترک کند و به نزد پدرش بازگردد. سپس غلات حرافشه را ضبط و قب‌الیاس را تخریب کرد.^۱

امیریونس، از کرد حمزه خواست حکومت صفد را با افزایش هزار سکه طلا از فخرالدین معنی گرفته و به وی دهد و در مقابل نیز فخرالدین معنی، از فرمان‌روای دمشق خواست بعلبک را با افزایش صد هزار سکه طلا، بیش از پیشنهاد یونس حرفوشی، به وی بسپارد.^۲

امیریونس به همراه تمام یاران و هم‌پیمانان خود از بعلبک به قصد مصاف با امیر فخرالدین معنی، حرکت کرد تا این‌که در اول محرم سال ۱۰۳۳ قمری / ۱۶۲۳ میلادی، در میسلون، با سپاهیان شام به فرماندهی مصطفی‌پاشا و کرد حمزه ملاقات کرد و سپه‌سالاری تمام لشکر دوازده هزار نفره را به عهده

۱. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۳۴-۱۳۶؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۸۸؛ *شذیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۸۷؛ *الوف، تاریخ بعلبک*، ص ۹۰؛ *دبس، تاریخ سوریه الدین و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۶۲؛ *همو، تاریخ الشعوب المشرقیة فی الدین و السیاسة و الاجتماع*، ج ۷، ص ۱۶۲؛ *قرآلی، فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۶ و ۱۱۳؛ *ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینی*، ج ۳، ص ۲۱-۲۲ و ۵۳-۵۴ (به نقل از دوانی القطوف)؛ *حسن نصرالله، تاریخ بعلبک*، ص ۲۵۰

۲. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۹۰؛ *شذیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۸۸؛ *الوف، تاریخ بعلبک*، ص ۹۰؛ *دبس، تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۶۲؛ *ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینی*، ج ۳، ص ۲۲ و ۵۴ (به نقل از دوانی القطوف)؛ *حسن نصرالله، تاریخ بعلبک*، ص ۲۵۱

مصطفی پاشا، والی شام قرار داد. امیر فخرالدین نیز با سپاه چهار هزار نفره اش آمد و با نقشه‌ای سازمان‌یافته سپاهیان شام را در عنجر شکست داد و مصطفی پاشا والی دمشق را اسیر کرد، در حالی که امیریونس و کرد حمزه و عمر سیفا به سوی بعلبک فرار کردند.^۱

پس از این نبرد امیر فخرالدین معنی، با احترام گذاشتن به مصطفی پاشا، و جبران تمام خسارت‌هایش که به اسارت فخرالدین معنی، درآمده بود، توانست او را به طرف جبهه خود جذب کند و بر ضد حرافشه برانگیزد.^۲ بر اساس برخی روایات، این نبرد توطئه خود مصطفی پاشا و فخرالدین معنی و سپاهیان دمشق، برای سرکوبی امیریونس بود.^۳

پس از این شکست، سپاهیان فخرالدین، راهی بعلبک شدند و روز دوازدهم محرم سال ۱۰۳۳ قمری به این شهر که از سکنه تخلیه شده بود، وارد شدند و شروع به غارت خانه‌ها و انبارهای غله کردند.^۴ با ورود سپاهیان فخرالدین به

۱. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۴۶-۱۵۱؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۹۰-۸۹۱ و ۸۹۵-۸۹۷؛ *تاریخ الامراء الشهابیین*، ص ۶۵-۶۷؛ *شدياق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۹۰-۹۲؛ *الوف، تاریخ بعلبک*، ص ۹۱؛ *کرد علی، خطط الشام*، ج ۲، ص ۲۴۷؛ *قرآلی، فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۶۵ و ۱۳؛ *دبس، تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۶۳؛ *همو، تاریخ الشعوب المشرقیة فی الدین و السیاسة و الاجتماع*، ج ۷، ص ۱۶۳؛ *ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۲۲-۲۴؛ *حسن نصرالله، تاریخ بعلبک*، ص ۲۵۲-۲۵۳

۲. *تاریخ الامراء الشهابیین*، ص ۶۷؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۹۷؛ *شدياق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۹۲؛ *کرد علی، خطط الشام*، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۸؛ *دبس، تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۶۳؛ *ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۲۴؛ *حسن نصرالله، تاریخ بعلبک*، ص ۲۵۳-۲۵۴

۳. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۵۰-۱۵۲؛ *الوف، تاریخ بعلبک*، ص ۹۱؛ *قرآلی، فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۱۴؛ *حسن نصرالله، تاریخ بعلبک*، ص ۲۵۴-۲۵۵

۴. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۵۳؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۸۹۷-۸۹۸؛ *شدياق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۹۳؛ *الوف، تاریخ بعلبک*، ص ۹۱؛ *قرآلی، فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۱۴؛ *دبس، تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۶۳؛ *ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۲۴-۲۵؛ *حسن نصرالله، تاریخ بعلبک*، ص ۲۵۵-۲۵۶

بعلبک، امیریونس قلعه «اللبوه» را با خاندانش ترک کرد و راهی حمص و بعد حماه و حلب شد و در آنجا شکایت‌نامه‌ای نزد سلطان عثمانی، به استانبول فرستاد.^۱

امیریونس که حاکم سیاست‌مداری بود، پسرعمویش امیر شلهوب را به بعلبک فرستاد تا هر آنچه را که از شهر باقی مانده، حفظ کند. وقتی شلهوب به بعلبک رسید، به پسرعمویش خیانت کرد و از این رو، فخرالدین معنی و مصطفی پاشا به او امان دادند و در بعلبک اقامت گزید.^۲

در اواخر محرم سال ۱۰۳۳ قمری مصطفی پاشا، بعلبک را به قصد دمشق ترک کرد، در حالی که فخرالدین معنی، به محاصره ارگ و قلعه‌ای در بعلبک ادامه داد.^۳

در ربیع الثانی سال ۱۰۳۳ قمری، امیرعلی یا حسن بن یونس حرفوشی، به وساطت دایی‌اش شلهوب حرفوشی، نزد امیر فخرالدین معنی به بعلبک آمد و ادعا کرد که از حرفوشیان بریده و در آنجا برای بررسی اوضاع مدتی اقامت کرد.^۴

در جمادی‌الاولی سال ۱۰۳۳ قمری، مراد پاشا، به قصد دست‌گیری و زندانی کردن یونس حرفوشی حاکم فراری بعلبک، امیر خالدهن عجاج را به معره‌النعمان

۱. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی، ص ۱۵۳؛ تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۸۹۸؛ شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۹۳؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۲؛ ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۲۵ و ۵۵ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۵۶

۲. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی، ص ۱۵۴؛ تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۸۹۸؛ شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۹۳؛ ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۲۵؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۵۶

۳. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۸۹۹؛ شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۹۴؛ ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۲۵؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۵۷

۴. خالدی صفدی، لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی، ص ۱۶۶؛ تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۹۰۳؛ ظاهر، تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۲۵ و ۲۹؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۵۹

فرستاد. وقتی امیرحسین بن یونس حرفوشی از این امر آگاه شد، از حماه، به قلعه بعلبک رفت که زنان حرافشه آنجا بودند، و نامه‌ای برای اش شلهوب و برادرش امیرعلی، مقیم بعلبک فرستاد و از آنها خواست در مقابل پرداختن چهل هزار قرش به امیر فخرالدین معنی، پیشنهاد صلح کنند تا مبادا مراد پاشا را به قتل پدرش امیریونس حرفوشی تحریک کند.^۱

پس از زندانی کردن امیریونس حرفوشی در قلعه سلمیه و تهدیدهای فخرالدین معنی، مردم قلعه بعلبک پس از گرفتن امان و تعهد لازم، قلعه را پس از چهار ماه محاصره در هشتم جمادی الثانی سال ۱۰۳۳ قمری، تحویل وی دادند و سه روز بعد فخرالدین معنی، دستور تخریب آن را صادر کرد.^۲ مراد پاشا، حاکم شام، امیریونس را به حلب منتقل کرد تا در آنجا زندانی کند ولی در مقابل رشوه‌های کرد حمزه، از این کار جلوگیری شد و امیریونس، آزاد گردید.^۳

در حالی که فخرالدین معنی، خود را آماده حمله به روستاهای شمال بعلبک می‌کرد، محمد پاشا به بعلبک آمد و پس از سه روز اقامت، قلمرو معنیان را تعیین کرد و بعلبک را در مقابل صد هزار سکه طلا به امیرعلین یونس حرفوشی سپرد.^۴ فخرالدین معنی که در ۲۱ صفر سال ۱۰۳۳ قمری، وارد بعلبک شده بود، بالاخره پس از دریافت شانزده هزار قرش وجه المصالحه، که امیرعلی

۱. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۷۱؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۹۰۶؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۹۶؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۲؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۲۵-۲۶ و ۵۶ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۵۹

۲. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۷۲-۷۳؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۹۰۶؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۹۶؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۳؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۲۶؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۶۰

۳. *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۹۰۷؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۳؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۲۶؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۶۱

۴. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۷۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۶۱-۲۶۲

حرفوشی برایش آورد، با حرافشه صلح کرد و پس از تخریب شهر در اول شعبان سال ۱۰۳۳ قمری، آنجا را ترک کرد و راهی سنجد عجلون شد.^۱ امیریونس به بعلبک بازگشت و تصمیم گرفت دشمنان نزدیکش و در رأس آنان پسر عمویش امیرشلهوب را نابود کند. او در این جهت، پس از تمهیداتی و دادن سی هزار قرش رشوه به مصطفی پاشا والی دمشق، موفق شد در شوال سال ۱۰۳۳ قمری، شلهوب را به قتل رساند و همسرش را به عقد امیرعلی حرفوشی درآورد.^۲

امیریونس حرفوشی، به علت تخریب و غارت شدن بعلبک به دست فخرالدین معنی، نتوانست مالیات سالهای ۱۰۳۳ و ۱۰۳۴ قمری را به پاشای شام بپردازد^۳ و بالاخره در سال ۱۰۳۵ قمری / ۱۶۲۵ میلادی، با توطئه و دسیسه‌های فخرالدین معنی و به دستور خلیل پاشا والی عثمانی شام، کشته شد.^۴ در سال ۱۰۴۴ قمری / ۱۶۳۴ میلادی، سپاه عثمانی به فرماندهی احمد کوچک پاشا، برای سرکوبی فخرالدین معنی، به شام آمد. احمد کوچک پاشا سپهسالار عثمانی، حکومت بعلبک را به امیرحسین و امیرمحمد، دو فرزند امیریونس، سپرد و آنان نیز به قصد انتقام از فخرالدین معنی، که سبب مرگ پدرشان بود، به سپاه عثمانی کمک کردند تا این که فخرالدین معنی اسیر گشت و بعدها در سوم آوریل ۱۶۳۵ در استانبول کشته شد.^۵

۱. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۹۸؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۲۶ و ۵۷ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۶۲-۲۶۳
۲. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۹۸-۱۹۹؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۹۱۷؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۳؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۲۶؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۶۳
۳. شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۹۳-۹۴؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۶۴
۴. الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۴؛ قرآلی، *فخرالدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، ص ۱۳۰؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۲۷؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۶۴
۵. شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۲، ص ۱۰۹ و ۱۳۰؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۴؛ حتی، *تاریخ سوریه و لبنان و فلسطین*، ج ۲، ص ۳۳۲؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۵۹ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۶۵

اختلاف حرفوشی‌ها

فرزندان امیریونس، هر کدام دچار سرنوشتی شدند. امیراحمدبن یونس بن حسین حرفوشی به پدرش در اداره امور بعلبک و بقاع کمک کرد. او در سال ۱۰۲۲ قمری و ۱۶۱۳ میلادی، در قلعه لبوه اقامت گزید و دو سال بعد، اداره قب الیاس را به عهده گرفت و در سال ۱۰۲۶ قمری به مشغره منتقل شد و با دختر امیرفخرالدین معنی در سال ۱۶۱۷ و ۱۶۲۰ میلادی، ازدواج کرد و در رمضان سال ۱۰۳۰ میلادی، وفات یافت.^۱

علی بن یونس بن حسین حرفوشی نیز مدتی با برادرش احمد در مشغره اقامت گزید و در دوران اشغال بعلبک توسط فخرالدین معنی، به نیرنگ و وساطت دایی اش شلهوب به بعلبک بازگشت. او با درایت و هوش سیاسی که داشت، پدرش را از چنگ و تعقیب مراد پاشا، والی حلب نجات داد و قلعه لبوه را از محاصره فخرالدین معنی، رها کرد و امور بعلبک را در غیاب پدرش اداره نمود و پس از کشته شدن دایی اش شلهوب، با همسرش ازدواج کرد و در دمشق مقیم شد تا این که قبل از سال ۱۰۴۳ قمری / ۱۶۳۳ میلادی، وفات یافت.^۲

محمدبن یونس بن حسین حرفوشی، کوچک‌ترین فرزند امیریونس، نقش مهمی در امارت حرافشه ایفا نکرد و تنها با برادرش امیرحسین در سرکوبی امیرفخرالدین معنی و خون‌خواهی پدرش شرکت کرد و به برادر در اداره امور بعلبک کمک نمود.^۳

امیرحسین نیز دست راست پدرش در اداره قلمروی حرافشه بود. او پس از مرگ برادرش احمد، با همسر وی ازدواج نمود و در هنگام اشغال بعلبک، میان قلعه بعلبک و حمص و حماه رفت و آمد می‌کرد و مسئول حرم‌سرای حرافشه و جانشین پدرش در بسیاری از گفت‌وگوها بود. او در جنگ بر ضد پدر

۱. ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۲۹؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۷۱
 ۲. خالدی صفدی، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، ص ۱۹۹؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۲۹؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۷۱ - ۲۷۲
 ۳. حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۷۳

همسرش امیرفخرالدین معنی، شرکت کرد تا او را دست‌گیر ساختند و بعدها به قتل رسید.^۱ امیرحسین پس از مرگ پدر، در سال ۱۰۴۱ قمری / ۱۶۳۴ میلادی، توسط احمد کوچک پاشا، حاکم بعلبک شد و به کمک برادرش محمد، به اداره امور پرداخت. او ظاهراً تا زمان مرگش که تاریخ‌نویسان ذکری از آن نبرده‌اند، هم‌چنان فرمان‌روای بعلبک ماند و پس از وی، امیرعمر بن اسماعیل بن موسی بن علی بن موسی حرفوشی، در صحنه سیاست ظاهر شد. او که به عمران و آبادانی علاقه‌مند بود، در سال ۱۰۷۷ قمری، کاخی در بعلبک ساخت که شعرا او را تحسین کردند.^۲

در سال ۱۰۸۲ قمری، امیرعلی حرفوشی با پسر عموهایش امیرعمر، شدید و یونس، درگیر شد و با کمک نیروهای والی شام، توانست بعلبک را تصاحب کند؛^۳ این کشمکش‌ها میان افراد خاندان حرافشه، باعث شد تا در سال ۱۰۹۱ قمری، بعلبک متعلق به امیر فارس شهابی، ملقب به کبیر امیر حاصبیا شود.^۴

در سال ۱۰۹۱ قمری، عمر و به روایتی شدید حرفوشی که از اقدام امیر فارس شهابی به خشم آمده بود، به کمک شیعیان آل حماده به سپاه امیر فارس شهابی در روستای نیحا شیخون زد که به کشته شدن امیر فارس شهابی و پنجاه تن دیگر از سپاهیان‌شان انجامید.^۵ در پی حملات انتقام‌جویانه مکرر

۱. ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۲۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۷۳

۲. حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۷۳-۲۷۴

۳. *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۹۴۸؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۵؛ محسن الامین، *اعیان الشیعة*، ج ۷، ص ۳۳۴؛ دبس، *تاریخ سوریه الدینیة و الدنیویة*، ج ۷، ص ۱۸۸؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة*

السیاسیة الثقافیة الدینیة، ج ۳، ص ۳۰؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۷۴

۴. *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۹۵۲؛ *تاریخ الامراء الشهابیین*، ص ۷۷؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۵-۹۶؛ محسن الامین، *اعیان الشیعة*، ج ۷، ص ۳۳۴؛ دبس، *تاریخ سوریه الدینیة و الدنیویة*، ج ۷، ص ۱۹۰؛ ظاهر، *تاریخ الشیعة السیاسیة الثقافیة الدینیة*، ج ۳، ص ۳۰؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۷۴

۵. *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۹۵۲-۹۵۳؛ *تاریخ الامراء الشهابیین*، ص ۷۷-۸۱؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۱، ص ۵۵ و ۱۲۹ و ج ۲، ص ۱۱۸؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۵؛ محسن الامین، *اعیان الشیعة*، ج ۷، ص ۳۳۴؛ دبس، *تاریخ سوریه الدینیة و الدنیویة*، ج ۷،



آل شهابی به بعلبک، عمر حرفوشی، تن به صلح داد و با شهبایان در مقابل شرایطی صلح کرد.^۱ عمر حرفوشی، پس از سالها فرمانروایی و صلح با شهبایان، در سال ۱۰۹۴ قمری / ۱۶۸۳ میلادی، در شهرک جبیل وفات یافت.^۲

در سال بعد، علی پاشا نکدی / نکدلی، والی طرابلس، به قصد سرکوب امیر شدید حرفوشی، به بعلبک لشکرکشی کرد، ولی امیر شدید که به حمادیان پناه برده بود، با گروهی از شیعیان حمادی و حرافشه به سپاه نکدی شبیخون زد و ۴۵ تن از افرادش را نیز کشت.^۳

در آغاز سده هیجدهم، امیرحسین حرفوشی که احتمالاً یکی از نوادگان حسین بن یونس بن حسین حرفوشی بود، با قدرت و تسلط بر بعلبک فرمان می‌راند. او در سال ۱۱۱۴ قمری / ۱۷۰۲ میلادی، به یوسف الدحداح کمک کرد تا کدخدایی روستای «العاقوره» را به دست آورد.^۴ در سال ۱۱۲۳ قمری / ۱۷۱۱ میلادی، امیرحسین، به امیرحیدر شهابی (حک ۱۱۲۰ - ۱۱۴۵ هـ / ۱۷۰۸ - ۱۷۳۲ م)، حاکم الشوف، کمک کرد تا قلمروش را در نبرد معروف به «عین دارا»، از مخالفانش، بازپس گیرد. والیان دمشق و صیدا، از این مخالفان حمایت می‌کردند.^۵ در سال ۱۱۳۶ قمری / ۱۷۲۴ میلادی، امیرحسین به طور مشکوکی

ص ۱۹۰؛ ظاهر، *تاریخ الشيعة السياسي الثقافي الدینی*، ج ۳، ص ۳۰ و ۵۹ (به نقل از دوانی القطوف)؛

حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۷۴ - ۲۷۵

۱. *تاریخ الامراء الشهابیین*، ص ۸۰ - ۸۱؛ *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۹۵۳؛ شدیاق،

اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۱، ص ۵۵ و ج ۲، ص ۱۱۸؛ محسن الامین، *اعیان الشيعة*، ج ۷، ص ۳۳۴

که نام امیر شدید ذکر کرده است؛ دبس، *تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۹۰؛ ظاهر، *تاریخ*

الشيعة السياسي الثقافي الدینی، ج ۳، ص ۳۰ و ۵۹ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، *تاریخ*

بعلبک، ص ۲۷۵

۲. دبس *تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی*، ج ۷، ص ۱۹۰

۳. *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، ج ۳، ص ۹۵۴؛ شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۱، ص ۵۵

و ۲۱۶؛ الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۹۶؛ محسن الامین، *اعیان الشيعة*، ج ۷، ص ۳۳۴ - ۳۳۵؛ دبس، *تاریخ*

سوریه الدینی و الدنیوی، ج ۷، ص ۱۹۱؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۷۶ - ۲۷۷

۴. شدیاق، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، ج ۱، ص ۱۰۲؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۸۰

۵. حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۲۸۰ - ۲۸۱

کشته شد و اسماعیل بن شدید حرفوشی که دارالاماره‌ای را در سال ۱۱۳۸ قمری، برای خود ساخت، به امارت بعلبک رسید.^۱

پس از کشمکش‌های میان افراد خاندان حرافشه، حکومت بعلبک از آن امیرحیدر حرفوشی شد. امیرحیدر حرفوشی در سال ۱۱۵۴ قمری، منصورالشذیاق را با آغوش باز پذیرفت و اداره امور بعلبک را به وی سپرد.^۲

کشمکش میان امیرحیدر و برادرش امیرحسین بر سر تصاحب بعلبک، بالا گرفت تا این که امیرحسین، به کمک امیرملحم شهابی، امیر جبل لبنان، توانست برادرش را که اسعدپاشا العظم، والی دمشق از او حمایت می‌کرد، شکست دهد و حکومت بعلبک را به کمک امیرملحم بر عهده گیرد.^۳ در سال ۱۱۵۹ قمری/ ۱۷۴۶ میلادی، اسعدپاشا العظم، سپاه عظیمی به بعلبک فرستاد و آنجا را تصرف و غارت کرد و حکومت شهر را به امیرحیدر سپرد و هشت تن از بزرگان بعلبک را اسیر کرد بعد به کشتن آنها دستور داد.^۴

امیرحسین حرفوشی که با اطلاع از رسیدن سپاه اسعدپاشا، فرار کرده بود، بار دیگر به کمک امیرملحم، در رجب سال ۱۱۶۰ قمری، وارد بعلبک شد و حکومت آنجا را به دست گرفت.^۵

اسعدپاشا، از کشمکش میان افراد خاندان حرفوشی خسته شد و از این رو، حکومت بعلبک را در سال ۱۱۶۲ قمری/ ۱۷۴۸ میلادی، به امیرملحم سپرد، ولی در اثر تأخیر وی در پرداخت مالیات بعلبک، مورد خشم والی دمشق قرار گرفت و اسعدپاشا، بار دیگر امیرحیدر حرفوشی را به حکومت بعلبک تعیین کرد.^۶

۱. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۶؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۲-۲۸۳

۲. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۶؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۳

۳. لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۱، ص ۳۸؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۶؛ ابوصالح، ص ۶۳؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۳

۴. ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۱؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۳

۵. دبس، تاریخ سوریه الدینی و الدنیوی، ج ۷، ص ۳۲۸؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۱؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۴

۶. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۶؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۴

میان امیرملحم، و هم پیمانانش امیرحسین از یک سو و اسعدپاشا و یارش امیرحیدر از سوی دیگر، در سال ۱۱۶۲ قمری، جنگ درگرفت که در آن امیرملحم پیروز شد و در نتیجه، حکومت بعلبک بار دیگر از امیرحیدر به برادرش امیرحسین دست به دست گشت.^۱ امیرحسین، هم چنان بر بعلبک حکومت می کرد تا این که در سال ۱۱۶۴ قمری / ۱۷۵۱ میلادی، به دست مزدوران برادرش امیرحیدر، کشته شد و حکومت بعلبک به وی رسید. در اوایل شعبان همان سال، امیرحیدر مفتی بعلبک، و برادرش را که جزو مخالفان وی بودند، کشت و اموالشان را مصادره کرد.^۲

در سال ۱۱۶۸ قمری، امیرحیدر، که والی دمشق او را عزل کرده بود، به بعلبک سرکشی کرد، ولی اندکی بعد آن جا را ترک نمود و پسرعمویش امیرحسین حرفوشی زمام امور را به دست گرفت.^۳ او که به پول نیاز داشت تا مالیات بعلبک را به والی دمشق بپردازد، از آنجایی که شهر مخروبه بود، ناگزیر به روستای ثروت مند رأس بعلبک رفت و بر مردم آن مالیات سنگین تعیین کرد. مردم که از پرداخت مالیات ناتوان بودند، ناگزیر به سوی امیران لمعی زحله فرار کردند.^۴

در سال ۱۱۷۲ قمری / ۱۷۵۹ میلادی، امیراسماعیل بن شدید حرفوشی، در مقابل رشوه بالغ بر پنجاه هزار قرش، حکومت بعلبک را از آن خود کرد تا این که در سال ۱۱۷۷ قمری، امیرحیدر بار دیگر امارت بعلبک را از آن خود نمود و تا زمان وفاتش در سال ۱۱۸۸ قمری، هم چنان بر بعلبک فرمان راند.^۵

۱. لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۱، ص ۳۵ و ۳۷-۳۸؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۶؛ حسن

نصرالله، تاریخ بعلبک، ۲۸۴

۲. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۷؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۴-۲۸۵

۳. حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۵

۴. همان.

۵. تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۹۹۹؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۷؛ ظاهر، تاریخ الشیعه

السیاسی النقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۶-۳۷ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک،

ص ۲۸۶

پس از مرگ امیرحیدر حکومت بعلبک به برادرش امیرمصطفی رسید که نخست با تلاش‌های ناکام برادرزاده‌اش درویش بن حیدر حرفوشی، روبه‌رو شد و آن‌گه برادرش امیرمحمد بر ضد وی شورید و توانست با دادن رشوه به والی دمشق، امارت بعلبک را در سال ۱۱۹۰ قمری، به‌دست آورد.^۱

در همان سال، احمد جزار، والی صیدا شد. او سپاهی به فرماندهی مصطفی قرامنلا (قره ملا) برای سرکوبی امیران نواحی مختلف لبنان، تدارک دید. این سپاه در نخستین مصاف با مردم زحله در دوم جمادی‌الثانی سال ۱۱۹۰ به دلیل کمک‌های مصطفی حرفوشی به مدافعان شهر، شکست خورد، ولی در نبرد دوم در ۲۱ جمادی‌الثانی همان سال، توانست پیروز شود و زحله را بسوزاند.^۲ پس از این پیروزی، سپاه احمد جزار به بعلبک حمله‌ور شد و شهر را تصرف نمود و حاکم جدید آن محمد حرفوشی را زندانی کرد.^۳

پس از عقب‌نشینی سپاه احمد جزار به صیدا، امیرمصطفی بر بعلبک چیره شد تا این‌که برادرش محمد به کمک سپاهیان امیریوسف شهابی، بعلبک را دوباره در سال ۱۱۹۵ قمری / ۱۷۸۱ میلادی، از وی باز پس‌گرفت و مصطفی راهی حمص شد در سال بعد، به کمک سپاهیان محمدپاشا العظم، والی شام، بعلبک را دوباره باز پس‌گرفت.^۴ امیرمحمد حرفوشی به نزد یوسف شهابی فرار کرد و

۱. تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۹۹۹؛ لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۱، ص ۱۰۶؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۷؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۱ و ۳۷ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۶
۲. لبنان فی عهد المراء الشهابیین، ق ۱، ص ۱۲۰؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۸؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۶ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۶-۲۸۷؛ ابو صالح، ص ۱۳۶
۳. لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۱، ص ۱۲۰؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۶ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۷؛ ابو صالح، ص ۱۳۶
۴. تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۱۰۲۲-۱۰۲۳؛ لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۱، ص ۱۳۴؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۸؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۳۹ و ج ۱۰، ص ۱۲۸؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۱ و ۳۶-۳۷ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۸

پس از چهار سال اقامت در «المتن» در سال ۱۲۰۰ قمری / ۱۷۸۶ میلادی، در «دیرالقمر» وفات یافت.^۱

امیرمصطفی حرفوشی در سال ۱۹۶ قمری، با امیریوسف شهابی صلح کرد و از بزرگان فراری مناطق جنوبی لبنان که از ظلم و آزار احمد جزار به ستوه آمده بودند، به گرمی استقبال و پذیرایی کرد و روستاهایی نیز به عنوان تیول به آنها داد.^۲

اقدامات مصطفی، خشم احمد جزار والی صیدا را برانگیخت، لذا به کمک محمد درویش پاشا، والی شام، تصمیم گرفتند به حکومت حرافشه پایان دهند. از این رو، سپاه عظیمی در حدود سال ۱۲۰۰ قمری، به بعلبک گسیل داشتند. این سپاه بعلبک را گرفت و امیرمصطفی و شش تن از برادرانش و جمعی از فامیل هایش را دستگیر نمودند و همراه سایر زنان و کودکان حرافشه، به عنوان اسیران جنگی روانه دمشق کردند و در آنجا درویش پاشا دستور داد امیرمصطفی را دار زدند، و املاک آنان را در بعلبک مصادره کردند و به تعقیب دیگر حرافشه پرداختند و آن گاه والی دمشق شخصی به نام رمضان آغا را حاکم بعلبک کرد. ولی احمد جزار با سیاستی که داشت، توانست بعلبک را در سال ۱۹۸ قمری، جزو قلمرو حکومت خود قرار دهد و شخصی به نام سلیم آغا را از طرف خود حاکم آن جا کند.^۳

۱. لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۱، ص ۱۳۴؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۸؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۳۹ و ج ۱۰، ص ۱۲۸؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۲ و ۳۹ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۸؛ دائره المعارف تشیع، ج ۶، ص ۲۲۱؛ ذیل واژه

۲. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۸؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۲۸؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۸ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۸ - ۲۸۹

۳. تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۱۰۲۴؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۸؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۲ و ۳۹ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۹

۴. امارت جهجاه حرفوشی

جهجاه بن مصطفی حرفوشی (حک ۱۲۰۰-۱۲۳۲هـ / ۱۷۸۶-۱۸۱۷م) یکی از حاکمان مشهور حرافشه بود. او به کمک بنی معلوف، از اردوگاه شام فراری شد و مدتی در عراق نزد عموزادگانش در قبیله خزاعه به سربرد و سپس در سال ۱۲۰۰ قمری / ۱۷۸۶ میلادی، به بعلبک بازگشت و به کمک صد تن از بنی معلوف، شبانه به بعلبک حمله ور شد و آنجا را تصرف کرد و محمد آغا العبد (برده) به دمشق گریخت و به روایتی کشته شد.^۱ سال بعد پاشای شام، سپاهی به فرماندهی ملا اسماعیل، به جنگ امیر جهجاه فرستاد، ولی سپاه در مقابل مقاومت جهجاه و برادرش امیر سلطان و مردم زحله، شکست خورد.^۲

در سال ۱۲۰۲ قمری، اظن (آزن ابراهیم پاشا)، حاکم دمشق، سپاهی در برابر جهجاه فرستاد و او را به روستای صنیره، فراری داد و حکومت بعلبک را به امیر کنج بن محمد حرفوشی سپرد و اندکی بعد، با وساطت شیخ عباس التل، حاکم الزبدانی، حکومت بعلبک را در مقابل رشوه‌ای که جهجاه به حاکم دمشق داده بود، به وی بازگرداند.^۳ در همین سال امیر جهجاه، لشکری به کمک هم‌پیمانانش یوسف شهابی فرستاد که در حال جنگ با سپاهیان الجزار بود و آن‌گاه از پرداخت غرامت به پاشای شام خودداری کرد. این کار، خشم والی دمشق را برانگیخت، در نتیجه، در سال ۱۲۰۳ قمری / ۱۷۸۹ میلادی، سپاهی به فرماندهی حاج اسماعیل کردی به بعلبک فرستاد و آنجا را تصرف کرد، ولی چند ماه بعد

۱. تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۳، ص ۱۰۳۴ و ۱۰۹۵؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۸-۹۹؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۰ و ج ۷، ص ۲۷۷؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۲ و ۳۹ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۸۹-۲۹۰
۲. محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۰ و ج ۷، ص ۲۷۷؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۳ و ۳۹ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۹۰
۳. محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۴۰ و ۶۰ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۹۱-۲۹۲

جهجاه به کمک امیران هم‌پیمانش، توانست بعلبک را بازپس گیرد و مخالفان را به قتل رساند. او با وساطت شیخ عباس التل، با والی پاشا شام، مصالحه کرد.^۱ امیر جهجاه در همان سال، با مخالفت پسرعمویش امیر قاسم‌بن حیدر حرفوشی روبه‌رو گشت^۲ و آن‌گاه در سال‌های ۱۲۰۵ و ۱۲۰۶ قمری، با سپاهیان والی شام و والی عکا، درگیر شد و شهر بعلبک چند بار دست به دست گشت.^۳ جهجاه در سال ۱۲۰۹ قمری، بار دیگر، با یورش سپاه شام روبه‌رو شد و مدتی پا به فرار گذاشت و سپس به بعلبک بازگشت^۴ و حدود ده سال به آرامش حکومت کرد. او در این مدت، از امیر بشیر شهابی در سال ۱۲۱۳ و فارس الشدیاق در سال ۱۲۲۰ قمری، استقبال کرد.^۵

اختلاف دوباره حرفوشی‌ها

در سال‌های ۱۲۲۲-۱۲۲۴ قمری / ۱۸۰۷-۱۸۰۹ میلادی، میان جهجاه و برادرش سلطان، اختلاف پیش آمد و جنگ‌هایی درگرفت و والیان مناطق مختلف شام، هر کدام طرف یکی از این دو برادر را گرفتند.^۶



۱. لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۱، ص ۱۴۸؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۰؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۳ و ۴۱-۴۲ (به نقل از دوانی القطوف)؛ ابوصالح، ص ۱۵۱؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۹۲-۲۹۳
۲. تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی، ج ۴، ص ۱۰۹۷؛ لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۱، ص ۶۸ و ج ۲، ص ۱۸۱؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۹؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۳ و ۴۲-۴۳ و ۶۰ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۹۳-۲۹۴
۳. لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۱، ص ۱۵۱؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۹۹-۱۰۰؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۳ و ۴۱-۴۳ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۹۴-۲۹۵
۴. شدیاق، اخبار الاعیان فی جبل لبنان، ج ۲، ص ۱۸۲؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۰؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۴۴ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۹۵
۵. حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۹۵-۲۹۶
۶. لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۲، ص ۵۳۰ و ق ۳، ص ۵۴۲؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۰؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۲ و ج ۷، ص ۲۷۷؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۹۶-۲۹۸

امیرسلطان حرفوشی در سال ۱۲۲۷ قمری، با تقدیم دویست هزار قرش رشوه به سلیمان پاشا، حاکم دمشق، حکومت بعلبک را از آن خود کرد، ولی در سال بعد حاکم دمشق بر او خشم گرفت و وی را زندانی کرد و جهجاه دوباره به حکومت بعلبک تعیین گردید.^۱ جهجاه پس از ۳۱ سال حکومت پرفراز و نشیب، بالاخره در جمادی الاولی سال ۱۲۳۲ قمری، وفات یافت و برادرش امیرامین حرفوشی، قلمرو وی را اداره کرد. و آن‌گاه با نصح، فرزند دوازده ساله جهجاه، به نزد صالح پاشا، والی شام رفتند و فرمان حکومت بعلبک را از وی گرفتند.^۲

در سال ۱۲۳۵ قمری، والی دمشق به تحریک بشیر شهابی که از اقدامات و اهداف امیرامین حرفوشی، به ستوه آمده بود، فرمان عزل وی را صادر نمود و به جایش امیرنصوح را تعیین کرد.^۳ امین و برادرش سلطان حرفوشی، به هرمل رفتند و در شورش شیوخ حمادیه، بر ضد بشیر شهابی شرکت کردند، ولی در مصاف با لشکریان امیرملحم بن حیدر شهابی و امیر نصح، شکست خوردند و به بلاد عکا، فرار کردند و امیرنصوح به همراه سایر سپاهیان به نزد امیربشیر شهابی بازگشت و امیربشیر او را تکریم کرد.^۴

وقتی امیربشیر به همراه ملحم شهابی، منطقه را به سوی بیروت ترک کردند، دو برادر امین و سلطان حرفوشی، به بعلبک بازگشتند و نصح را از بعلبک بیرون کردند. و اندکی بعد نصح، نزد عمویش امین آمد و از وی عذرخواهی کرد، ولی امین که در ظاهر برادرزاده‌اش را عفو کرده بود، ناجوان‌مردانه یکی از اعوانش به نام مکباشی درزی را فرستاد و او را حدود سال ۱۲۴۱ قمری، در

۱. لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۳، ص ۵۸۱ و ۵۸۹-۵۹۰؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۱؛ ابوصالح، ص ۲۰۵؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۲۹۹
 ۲. لبنان فی عهد الامراء الشهابیین، ق ۳، ص ۶۳۶؛ الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۱؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۷۷؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ۲۹۹-۳۰۰
 ۳. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۱؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۶۱ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۰۰
 ۴. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۱؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۰۰-۳۰۳

روستای مجدلون به هنگام خواب خفه کردند. امین تا زمان آمدن ابراهیم پاشا، فرزند محمدعلی پاشا از مصر در سال ۱۲۴۷ قمری، به طور مستقل بر بعلبک فرمان می‌راند.^۱ ابراهیم پاشا در همان سال، از مصر وارد بعلبک شد و حکومت آنجا را از امین که با وی مخالفت کرده و پا به فرار گذاشته بود، گرفت و به امیرجواد حرفوشی سپرد.^۲

امیرامین، پس از فرار، در سال ۱۲۴۸، نزد امیربشیر شهابی، در حمص رفت و از وی عذرخواهی کرد، ولی چون از توطئه‌های ابراهیم پاشای مصری بیم داشت، از رفتن نزد وی خودداری نمود و پا به فرار گذاشت، تا این‌که بالاخره خسته شد و خود را در بتدین، تسلیم امیر شهابی کرد ولی چند روز بعد دوباره از بیم حضور در نزد ابراهیم پاشا فرار کرد و پس از درگیری با سپاهیان ابراهیم پاشا، در قریتین و سپردن خاندانش در نزد آل دندش، راهی استانبول گشت و استقبال شایانی از او شد و همان‌جا ماند تا ابراهیم پاشا در سال ۱۲۵۷ قمری، شام را ترک کرد.^۳

ابراهیم پاشا، نخست جواد حرفوشی را حاکم بعلبک نمود، ولی اندکی بعد در اثر مخالفت با کشاورزان دروز در بقاع، او را عزل کرد و احمد آغا دزدار، را جانشین وی ساخت.^۴

امیرجواد حرفوشی پس از معزول شدن از حکومت بعلبک، به هم‌راه خنجر و محمد، دو پسرعموی خود و جمعی از یارانش، بر ضد حکومت مصریان طغیان کردند، ولی بعد دوستش عبدالقادر آغا، برایش از شریف پاشا، حاکم مصری دمشق، امان گرفت و او را رئیس سوارکاران کرد؛ ولی در اثر سعایت دشمنان،

۱. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۷۷؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۰۳

۲. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۲؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۰۳

۳. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۲؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۴ و ۶۲ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۰۳-۳۰۴

۴. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۲؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۷۲؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۰۵

شریف پاشا او را معزول ساخت.^۱ امیر جواد که از دمشق خشم‌گین خارج شد، پس از دو درگیری با افراد سپاه والی دمشق، زخمی و فراری گشت.^۲ ابراهیم پاشا، پس از عزل احمد آغا دزدار و خلیل آغا ورده، و فعالیت‌های مداوم حرافشه، حکومت بعلبک را به امیر محمد حرفوشی سپرد.^۳ در سال ۱۲۴۹ قمری، و به روایتی در سال ۱۲۵۵ قمری، امیر جواد پس از مدت‌ها متواری شدن، بار دیگر در عکا ظهور کرد و به اقدامات شرورانه دست زد تا این‌که خسته شد و به امیر بشیر شهابی پناه برد. امیر بشیر، ناجوان‌مردانه وی را تسلیم شریف پاشای مصری، حاکم دمشق کرد و او نیز وی را به قتل رساند.^۴ پس از خروج سپاهیان مصری به فرماندهی عثمان پاشا از شام، در ربیع‌الثانی سال ۱۲۵۶ قمری، حرافشه، به سرکردگی امیر محمد حرفوشی در بعلبک قیام کردند و آن‌جا را تصرف نمودند و با حمله به لشکر مصر، غنایم جنگی زیادی به دست آوردند.^۵

سپاه مصری در هشتم ربیع‌الثانی ۱۲۵۶ بار دیگر به بعلبک آمد و شورش حرافشه را سرکوب کرد، ولی به محض خروج این سپاهیان، بار دیگر حرافشه به فرماندهی امیر محمود حرفوشی، قیام کردند ولی با ورود ابراهیم پاشا، فرزند محمد علی پاشا حاکم مصر، اوضاع بعلبک آرام گرفت.^۶

حرافشه جزو نخستین گروه لبنانی بودند که بر ضد حضور ابراهیم پاشا در بعلبک و لبنان قیام کردند. آنان به رهبری امیر خنجر و برادرش امیر سلطان و سایر امیران حرفوشی، بر ضد حضور مصریان در شام قیام کردند و به سپاهیان

۱. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۲؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۷۲؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۰۵-۳۰۶

۲. محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۷۲؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۰۶

۳. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۳؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۳۰؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۰۶

۴. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۲۰؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۷۲؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۱۰-۳۱۱

۵. تاریخ بعلبک، ص ۳۱۱

۶. تاریخ بعلبک، ص ۳۱۱-۳۱۲



عثمانی در تعقیب سپاهیان مصری به رهبری ابراهیم پاشا کمک نمودند. دولت عثمانی به پاس این هم‌کاری، در اواخر سال ۱۲۵۶ قمری، ولایت بعلبک را به امیرخنجر سپرد.^۱

در سال ۱۲۵۷ قمری، امیرامین حرفوشی که حامل فرمان سلطان عثمانی به عنوان حاکم بعلبک بود، در بیروت وفات یافت و پسرش قبلان نیز در دمشق دیوانه شد و هم‌چنان دیوانه ماند تا این‌که در سال ۱۲۸۱ قمری، در هشتاد سالگی از دنیا رفت.^۲

در پنجم رمضان سال ۱۲۵۷، امیرخنجر و خاندان او و یارانش، پس از کمی تردید و شاید هم به تشویق کنسول انگلیسی در دمشق به کمک مردم زحله در دفع خطر دروزی‌ها شتافت. امیریوسف حرفوشی در مصاف با دروزی‌ها، کشته شد و امیر منصور نیز زخمی گشت و پس از چند روز وفات یافت.^۳

پس از پیروزی در نبرد زحله، میان امیران حرافشه، اختلاف و کشمکش درگرفت. در سال ۱۲۵۸ قمری، امیرحسین بن قبلان با سرپرستی امیر سعدون، یک‌سال بر بعلبک فرمان راند و در سال بعد، امیرمحمد حرفوشی، به مدت یک سال بر بعلبک چیره شد. آن‌گاه پسرعمویش امیرمحمد بن جواد با پرداخت رشوه به والی دمشق، حکومت بعلبک را از آن خود کرد. او با ۱۵۰۰ سوار که والی عثمانی دمشق در اختیارش گذاشته بود، حرکت کرد، ولی در مسیر بازگشت به بعلبک، در روستای برالیاس با افراد امیرمحمد روبه‌رو شد و شکست خورد و به‌جای وی، امیرمحمد پیروزمندانه وارد بعلبک شد.^۴ شش ماه بعد، امیرمحمد، فرمان جدیدی به عنوان حاکم بعلبک از والی دمشق گرفت، ولی

۱. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۳؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۴۵ و ۶۲ (به

نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۱۳-۳۱۴

۲. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۴-۱۰۵؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۱۴-۳۱۵

۳. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۵؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۱۵-۳۱۷

۴. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۵؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۳۰؛ ظاهر، تاریخ الشیعه

السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۴۵ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک،

در اثر تلاش‌های دیگر امیران حرفوشی چون خنجری، یوسف و شدید، این حکم لغو گردید.^۱

در سال ۱۲۶۶ قمری، سلطان عبدالمجید بن سلطان محمود عثمانی (حک هفده ذی‌الحجه ۱۲۵۵ - ۱۲۷۷ هـ / ۱۸۳۹ - ۱۸۶۱ م) در پی درگیری‌ها و کشمکش‌های امیران حرفوشی، فرمان لغو امارت این خاندان را صادر کرد. این فرمان با مخالفت و شورش محمد بن جواد حرفوشی روبرو شد. سلطان عثمانی لشکری به فرماندهی مصطفی پاشا، به بعلبک فرستاد و امیران حرافشه که تاب مقاومت را نداشتند، در روستای «معلولا» متحصن شدند. سپاه عثمانی آنان را محاصره کرد و به کمک مردم همان روستا، بعضی از امیران حرافشه را کشت و تسلیم شدگان را به اسارت گرفت و به دمشق گسیل داشت و از آن‌جا همگی به جزیره کرت تبعید شدند و امارت حرافشه بعلبک لغو شد و به یک شهرستان مبدل گردید.^۲

پس از پایان دادن رسمی به امارت و حکومت حرافشه، قائم‌مقام (فرمان‌دار) وابسته به والی دمشق، بعلبک را اداره کرد. مأموریت تیمور پاشا نخستین قائم‌مقام بعلبک، تعقیب بقایای حرافشه در منطقه بود. او لشکریانش را برای سرکوبی شورش امیر محمد بن حمد حرفوشی گسیل داشت تا این‌که به صلح تن داد.^۳

در سال ۱۲۶۷ یا ۱۲۶۸ قمری، امیر محمود حرفوشی در روستای «العین» کشته شد و ظالمانه و به ناحق، پسر عمویش امیر سلمان، برادر امیر خنجری را به دست داشتن در قتل وی متهم کردند که همین امر، خشم امیر سلمان و یاغی شدن وی را باعث گردید.^۴ در سال ۱۲۶۸ قمری، والی دمشق گروه دویست نفره در اختیار

۱. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۵؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۱۸

۲. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۶؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۳۰؛ ظاهر، تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی، ج ۳، ص ۳۵ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۱۸ - ۳۱۹؛ EI2، ذیل واژه

۳. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۷؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۲۸

۴. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۸؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۲۸

امیرمنصور حرفوشی عموی امیرمحمود قرار داد تا امیرسلمان را تعقیب کند. این گروه در دشت طاریا، با افراد امیرسلمان مصاف دادند و شکست خوردند. امیرسلمان که از آوارگی و فرار خسته شده بود، خود را نخست از اتهام کشتن امیرمحمود، مبرا ساخت و آن‌گاه تسلیم حکومت عثمانی شد. دولت عثمانی در سال ۱۲۷۰ قمری، به وی لقب سرهزار داد و برای برقراری امنیت در بعلبک، فرمانده دویست سوار کرد. امیرسلمان بین سال‌های ۱۲۷۰-۱۲۷۳ قمری، نقش مهمی در برقراری صلح و آرامش و وساطت میان گروه‌های مختلف متخاصم ایفا کرد.^۱

در دوران قائم‌مقامی مصطفی راشد در سال ۱۲۷۰ قمری / ۱۸۵۴ میلادی و حکومتش بر بعلبک، امیرمحمدبن جواد و برادرش عساف حرفوشی، از تبعیدگاهشان در جزیره کرت فرار کردند و به بعلبک آمدند و سپس دولت عثمانی آنان را عفو کرد.^۲ در سال ۱۲۷۱ قمری، دو برادر محمدجواد و عساف حرفوشی طغیان کردند که امیرسلمان مأمور تعقیب و سرکوبی آنها شد.^۳

در دوران قائم‌مقامی فارس آغا قدرو/ قدرور بر بعلبک، امیرسلمان که از مقام و منصب عزل شده بود، طغیان کرد و مدتی فراری گشت تا این‌که در اواخر سال ۱۲۷۵ قمری، مخفیانه وارد زحله شد و اندکی بعد در ششم جمادی‌الثانی سال ۱۲۷۵ و به روایتی ۲۲ رجب سال ۱۲۷۶ قمری،^۴ توسط حسنی پاشا، فرمانده لشکریان تعقیب‌کننده عثمانی دست‌گیر گشت و به روایتی تسلیم و زندانی شد.^۵

۱. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۸؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۳۰-۳۳۳

۲. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۸؛ حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ص ۳۳۳

۳. تاریخ بعلبک، ص ۳۳۳-۳۳۴

۴. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۹

۵. الوف، تاریخ بعلبک، ص ۱۰۹؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۸؛ حسن نصرالله، ص ۳۳۶-

در مدت زندانی امیرسلیمان، برادرش امیراسعد حرفوشی، طغیان کرد تا این که در اواخر سال ۱۲۷۷ قمری، محمد راغب افندی، قائم مقام بعلبک، او را به تسلیم و همکاری با دولت متقاعد ساخت و وی تسلیم شد.^۱ امیرسلیمان، با طرح نقشه‌ای، از زندان فرار کرد و اندکی بعد، مخفیانه به بعلبک بازگشت و با حسنی پاشا گفت‌وگو کرد و امان‌نامه گرفت، ولی از آن جایی که خواسته‌هایش برآورده نشد، بار دیگر سر به شورش نهاد و سپاهیان ترک حسنی پاشا، او را تعقیب کردند تا این که بیشتر امیران حرافشه در عیون ارغش، اسیر گشتند و بعدها به ادرنه تبعید شدند و تنها امیرسلیمان و امیراسعد توانستند فرار کنند.^۲ امیراسعد، اندکی بعد تسلیم گشت و به ادرنه تبعید شد و امیرسلیمان، مدتی در جبل لبنان اقامت گزید. آن‌گاه در سال ۱۲۸۳ قمری، به حمص رفت و متواری گردید تا این که مخفی گاهش لو رفت و دست‌گیر شد و سه روز پس از زندانی شدن، وفات یافت و حکومت حرافشه به‌طور کامل از بین رفت.^۳ از این خاندان، افرادی ماندند که در روستاها سکونت می‌کردند و اهمیت چندانی نداشتند.^۴

امروزه نیز نوادگان حرافشه در لبنان به‌صورت پراکنده زندگی می‌کنند.^۵ بنی حرفوش کاخ‌ها و قلعه‌های بسیاری در بعلبک و اطرافش ساختند و مقبره مخصوص برای افراد خاندان خویش در بیرون شهر بعلبک برپا داشتند که امروزه جزو مقبره معروف سطحه قرار دارد.^۶

۱. الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۱۰۹-۱۱۰؛ محسن الامین، *اعیان الشیعه*، ج ۳، ص ۲۹۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۳۳۹
۲. الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۱۱۰؛ محسن الامین، *اعیان الشیعه*، ج ۳، ص ۲۹۸؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۳۴۱
۳. الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۱۱۰-۱۱۱؛ محسن الامین، *اعیان الشیعه*، ج ۳، ص ۲۹۸؛ ظاهر، *تاریخ الشیعه السیاسی الثقافی الدینی*، ج ۳، ص ۳۶ (به نقل از دوانی القطوف)؛ حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، ص ۳۴۱-۳۴۲
۴. الوف، *تاریخ بعلبک*، ص ۱۱۱
۵. مهاجر، *التاسیس لتاریخ الشیعه فی لبنان و سوریه*، ص ۱۱۳
۶. *تاریخ بعلبک*، ص ۳۲۷؛ رفاعی، *بعلبک فی التاریخ*، ص ۵۱

بی شک شیخ محمد بن علی بن محمد حرفوشی، مشهور به حریری (متوفای ۱۰۵۹ هـ) مشهورترین و پرآوازه‌ترین دانش‌مند، ادیب، شاعر و نویسنده حرافشه است. او بیش از دوازده کتاب در علوم مختلف نگاشت.^۱



۱. مدنی، *سلافه العصر*، ص ۳۱۵-۳۱۶؛ حرعاملی، *امل الأمل*، ق ۱، ص ۱۶۲-۱۶۴؛ عبدالله افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۵، ص ۱۲۸-۱۳۰؛ کنتوری، *کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار*، ص ۲۱۸، ۳۱۹، ۳۳۰، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۵، ۳۷۸، ۴۷۷، ۴۹۸؛ خوانساری، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ج ۷، ص ۸۵-۸۶؛ عباس قمی، *فوائد الرضویه*، ص ۵۵۶؛ بستانی، *کتاب دائره المعارف*، ج ۷، ص ۹؛ امینی، *شهداء الفضیله*، ص ۱۱۸-۱۲۰

منابع

۱. ابن طولون، شمس‌الدین محمد، *مفاکهة الخلان فی حوادث الزمان*، (تاریخ مصر و شام)، به کوشش محمد مصطفی، قاهره ۱۳۸۱ قمری / ۱۹۶۲ میلادی.
۲. ابوصالح، عباس، *التاریخ السیاسی للامارة الشهابیة فی جبل لبنان*، (۱۶۹۷-۱۸۴۲ م)، بیروت ۱۹۸۴ م.
۳. الوف، میخائیل موسی بعلبکی، *تاریخ بعلبک*، بیروت ۱۹۲۶ م.
۴. امینی، عبدالحسین احمد تیریزی نجفی، *شهداء الفضیلة*، قم ۱۳۹۳ قمری.
۵. بستانی، کتاب *دائرة المعارف*، دارالمعرفة، بیروت بی تا.
۶. *تاریخ الامراء الشهابیین*، به کوشش سلیم حسن هشی، بیروت ۱۹۷۱ م.
۷. *تاریخ الامیر حیدر احمد الشهابی*، زیر نظر نظیر عبود، دار نظیر عبود، بیروت ۱۹۹۳ م.
۸. حتی، فیلیب، *تاریخ سوریه و لبنان و فلسطین*، ترجمه کمال الیازجی، بیروت ۱۹۵۹ م.
۹. حر عاملی، محمدبن حسن، *امل الامل*، به کوشش احمد حسینی، بغداد بی تا.
۱۰. حسن نصرالله، *تاریخ بعلبک*، بیروت ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴.
۱۱. خالدی صفدی، احمدبن محمد، *لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، به کوشش اسد رستم و فؤاد افرام البستانی، بیروت، ۱۹۶۹ م.
۱۲. خوانساری، میرزا محمدباقر موسوی اصفهانی، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، به کوشش اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۲ قمری.
۱۳. دایرةالمعارف تشیع، زیر نظر سید جوادی و دیگران، تهران، ۱۳۸۰ شمسی.
۱۴. دبس، یوسف، *تاریخ الشعوب المشرقیة فی الدین و السیاسه و الاجتماع*، دار نظیر عبود، بیروت ۲۰۰۰.

١٥. _____، *تاریخ سوریه‌الدینی و الدنیوی*، زیر نظر نظیر عبود، دار نظیر عبود، بیروت، بی تا.
١٦. دوزی، رینهارت، *تکمله المعاجم العربیه*، ترجمه محمد سلیم النعمی، بغداد ١٩٨١ م.
١٧. رفاعی، قاسم الشماعی، *بعلبک فی التاریخ*، دمشق - بیروت، ١٤٠٤ / ١٩٨٤.
١٨. شدیاق، طنوس بن یوسف، *اخبار الاعیان فی جبل لبنان*، زیر نظر نظیر عبود، دار نظیر عبود، بیروت، بی تا.
١٩. صالح بن یحیی، *تاریخ بیروت و امراء بنی الغرب*، بیروت ١٩٩٠ م.
٢٠. ظاهر، سلیمان، *تاریخ الشیعة السیاسی الثقافی الدینی*، به کوشش عبدالله سلیمان ظاهر، بیروت ١٤٢٢ / ٢٠٠٢.
٢١. عباس قمی، *فوائد الرضویة*، بی نا، بی تا.
٢٢. عبدالله افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، به کوشش محمود مرعشی، قم ١٤٠١ قمری.
٢٣. غزی، نجم‌الدین، *الکواکب الساتره بأعیان المئه العاشره*، به کوشش جبرائیل سلیمان جبور، بیروت، ١٩٧٩.
٢٤. قرألی، الخوری بولس، *فخر الدین المعنی الثانی حاکم لبنان*، بیروت ١٩٩٢ م.
٢٥. کرد علی، محمد، *خطط الشام*، بیروت ١٣٩٢ / ١٩٧٢.
٢٦. کنتوری، اعجاز حسین نیشابوری، *کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار*، قم ١٤٠٩ هـ.
٢٧. *لبنان فی عهد الامراء الشهابیین*، به کوشش اسد رستم و فؤاد افرام البستانی، بیروت ١٩٦٩.
٢٨. محبی، محمد بن فضل‌الله بن محب‌الله بن محمد دمشقی، *خلاصة الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر*، دار صادر، بیروت، بی تا.

۲۹. محسن الامین، *اعیان الشیعة*، به کوشش حسن الامین، بیروت، ۱۴۰۳/۱۹۸۳ م.
۳۰. مدنی، سیدعلی صدرالدین حسینی حسنی، *سلافه العصر*، تهران، بی تا.
۳۱. معلوف، عیسی اسکندر، *تاریخ الامیر فخرالدین المعنی الثانی*، به کوشش ریاض معلوف، بیروت ۱۹۶۶.
۳۲. مهاجر، جعفر، *التاسیس لتاریخ الشیعه فی لبنان و سوریه*، بیروت، ۱۴۱۳/۱۹۹۲ م.
۳۳. ناصری طاهری، عبدالله، *جغرافیای اسلام ۱ و ۲ بعلبک و حلب*، تهران ۱۳۶۶ شمسی.

34. Dozy, R, Supplement Aux Dictionnaires Arabes, Beyrouth, 1981

35. EI²



